

فصل دوم

درس چهارم	تاریخ ادبیات پیش از اسلام و قرن های اولیه هجری
درس پنجم	هماهنگی پاره های کلام
درس ششم	سجع و انواع آن
* کارگاه تحلیل فصل	

کتاب: علوم و فنون ادبی 1

پایه: دهم

درس: چهارم

تاریخ ادبیات پیش از اسلام و قرن های اولیه هجری

تخصصی رشته انسانی

مدرس: مریم برونی

استان خوزستان - ناحیه چهار اهواز

زبان های ایرانی

فارسی باستان ←

فارسی میانه ←

فارسی دری - نو ←

درس چهارم

تاریخ ادبیا پیش از اسلام و قرن های اولیه بحری

● **زبان ایرانیان پیش از اسلام** که ریشه و مادر زبان امروز ایران است، «پارسی» یا «فارسی» نامیده می شد. در ایران پیش از اسلام، آثار فرهنگی - ادبی، قرن ها سینه به سینه حفظ می شده است؛ مثلاً کتاب «اوستا» را موبدان برای اجرای مراسم دینی، از حفظ می خواندند؛ تا اینکه سرانجام در دوره ساسانی، آن را به نگارش درآوردند.

زبان هایی که در ایران و مناطق همجوار آن، از قدیم ترین روزگاران متداول بوده است، ویژگی های مشترکی دارند. این مجموعه زبان ها را «گروه زبان های ایرانی» می نامند. از نظر تاریخی، زبان های ایرانی را به سه دسته عمده تقسیم می کنند: فارسی باستان، فارسی میانه و فارسی نو.

۱. فارسی باستان: این زبان در دوره هخامنشیان (۵۵۹ تا ۳۳۰ ق.م.) رایج بود. آثار برجای مانده زبان فارسی باستان، فرمان ها و نامه های شاهان هخامنشی است که به خط میخی نوشته شده است.



پارسی باستان

pārsa-𐎱𐎠𐎼𐎿



نقش برجسته و کتیبه های بیستون

استوانه کوروش



استوانه کوروش، از دو نمای مختلف.

منشور حقوق بشر



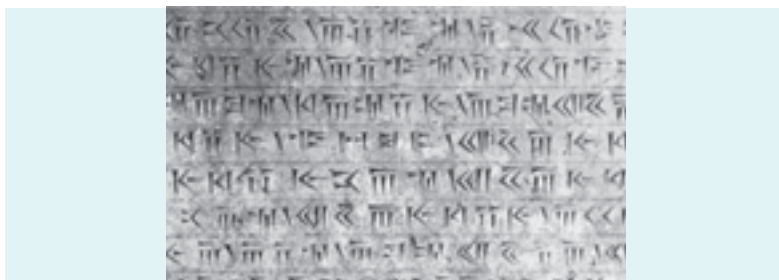
بخشی از سنگ نوشته ای در تخت جمشید

خط میخی فارسی باستان هخامنشی

الفبای خط میخی فارسی باستان

𐎠	𐎡	𐎢	𐎣	𐎤	𐎥	𐎦	𐎧
𐎨	𐎩	𐎪	𐎫	𐎬	𐎭	𐎮	𐎯
𐎱	𐎲	𐎳	𐎴	𐎵	𐎶	𐎷	𐎸
𐎺	𐎻	𐎼	𐎽	𐎾	𐎿	𐏀	𐏁
𐏃	𐏄	𐏅	𐏆	𐏇	𐏈	𐏉	𐏊
𐏋	𐏌	𐏍	𐏎	𐏏	𐏐	𐏑	𐏒
𐏔	𐏕	𐏖	𐏗	𐏘	𐏙	𐏚	𐏛
𐏜	𐏝	𐏞	𐏟	𐏠	𐏡	𐏢	𐏣

𐎠	𐎡	𐎢	𐎣	𐎤	شاه
𐎥	𐎦	𐎧	𐎨	𐎩	کشور
𐎪	𐎫	𐎬	𐎭	𐎮	کشور
𐎯	𐎰	𐎱	𐎲	𐎳	خدا
𐎴	𐎵	𐎶	𐎷	𐎸	زمین
𐎹	𐎺	𐎻	𐎼	𐎽	اهورامزدا
𐎾	𐎿	𐏀	𐏁	𐏂	اهورامزدا
𐏃	𐏄	𐏅	𐏆	𐏇	اهورامزدا
𐏈	𐏉	𐏊	𐏋	𐏌	واژه چنانکه
𐏍	𐏎	𐏏	𐏐	𐏑	
𐏒	𐏓	𐏔	𐏕	𐏖	۱
𐏗	𐏘	𐏙	𐏚	𐏛	۳
𐏜	𐏝	𐏞	𐏟	𐏠	۱۰
𐏡	𐏢	𐏣	𐏤	𐏥	۱۳
𐏧	𐏨	𐏩	𐏪	𐏫	۲۵
𐏬	𐏭	𐏮	𐏯	𐏰	۱۰۰
𐏱	𐏲	𐏳	𐏴	𐏵	۱۲۰
𐏷	𐏸	𐏹	𐏺	𐏻	۱۵۷



۲. فارسی میانه (حدود ۳۰۰ ق.م تا حدود ۷۰۰ م): زبان‌های ایرانی میانه، به

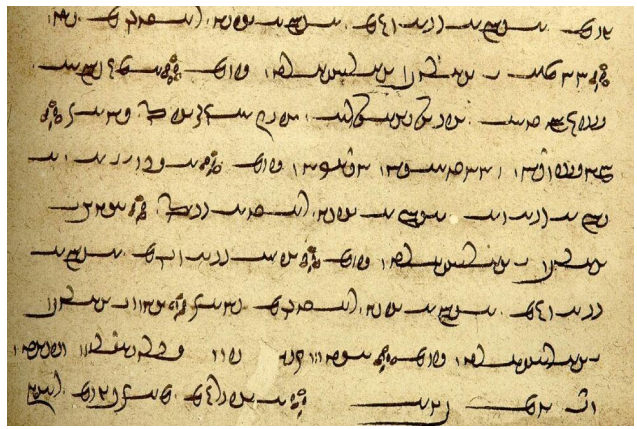
دو گروه زبان‌های «پارتی» و «پهلوی» تقسیم می‌شوند.

زبان پارتی، در دوره اشکانیان رایج بود و تا اوایل دوره ساسانی نیز آثاری به این

زبان، تألیف می‌شده است. این زبان در شمال و شمال شرقی ایران متداول بوده است.

فارسی باستان	برابر فارسی	برابر اوستایی	فارسی باستان	برابر فارسی	برابر اوستایی
𐎱	ا	𐎠 / 𐎡	𐎱	ا	𐎠 / 𐎡
𐎲	ب	𐎲	𐎲	ب	𐎲
𐎳	پ	𐎳	𐎳	پ	𐎳
𐎴	ت	𐎴	𐎴	ت	𐎴
𐎵	ث	𐎵	𐎵	ث	𐎵
𐎶	ج	𐎶	𐎶	ج	𐎶
𐎷	ح	𐎷	𐎷	ح	𐎷
𐎸	خ	𐎸	𐎸	خ	𐎸
𐎹	د	𐎹	𐎹	د	𐎹
𐎺	ذ	𐎺	𐎺	ذ	𐎺
𐎻	ر	𐎻	𐎻	ر	𐎻
𐎼	ز	𐎼	𐎼	ز	𐎼
𐎽	س	𐎽	𐎽	س	𐎽
𐎾	ش	𐎾	𐎾	ش	𐎾
𐎿	ف	𐎿	𐎿	ف	𐎿
𐏀	ک	𐏀	𐏀	ک	𐏀
𐏁	گ	𐏁	𐏁	گ	𐏁
𐏂	ن	𐏂	𐏂	ن	𐏂
𐏃	م	𐏃	𐏃	م	𐏃
𐏄	ی	𐏄	𐏄	ی	𐏄

انگلیسی	پارسی	اوستایی	انگلیسی	پارسی	اوستایی
ang	آنگ	𐬀	a	آ	𐬀
ang	آنگ	𐬁	ā	آ	𐬁
n	ن	𐬀	e	اِ	𐬀
n	ن (کابرد در گاهنیا)	𐬁	ē	اِ (کشیده)	𐬁
m	م	𐬀	e	اِ	𐬀
y	ی (بیشتر سر واژه)	𐬀	ē	اِ (بلند)	𐬀
y	ی	𐬁	o	اُ	𐬁
y	ی	𐬁	ō	اُ (بلند)	𐬁
r	ر	𐬀	i	ای	𐬀
l	ل (نادره، از پهلوی گرفته شده)	𐬀	ī	ای (کشیده)	𐬀
s	س	𐬀	u	او	𐬀
š	ش	𐬀	ū	او (کشیده)	𐬀
š	ش	𐬁	av	او	𐬁
š	ش (پیش از ی)	𐬁	an	آن (در بیانی)	𐬁
z	ز	𐬀	k	ک	𐬀
y	زُ	𐬀	x	خ	𐬀
y	ه	𐬀	g	غ	𐬀
x(xh)	خ	𐬀	γ	غ	𐬀
Xu	خو (پیش از واو سمدله)	𐬀	č	چ	𐬀
	فاصله میان هر واژه	•	j	ج	𐬀
	نقطه پایانی	𐬀	t	ت (ط)	𐬀
نگارش و پخش: دهیوپت و نداد www.dahyupat.LoxBlog.Com			f	ث	𐬀
			d	د	𐬀
			d'	ذ	𐬀
Edit: dahyupat vandad www.dahyupat.LoxBlog.Com			t	ت (ط)	𐬀
			p	پ	𐬀
			f	ف	𐬀
			b	ب	𐬀
			v	و (سر واژه)	𐬀
			v	و	𐬀
			v	و	𐬀

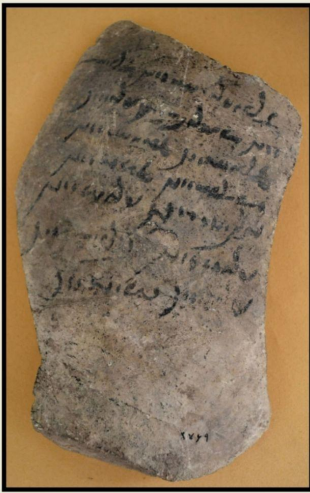


- حروف بی صدا و نویسه فارسی

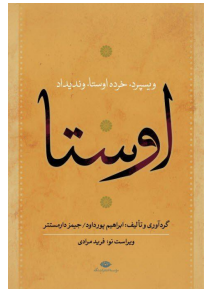
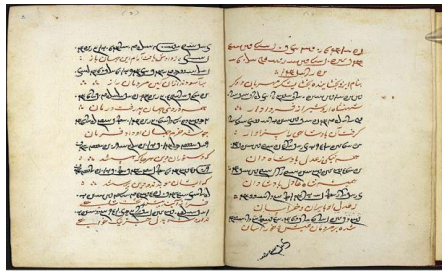
اوستایی	فارسی	اوستایی	فارسی	اوستایی	فارسی	اوستایی	فارسی
𐬀	ب	𐬀	خ	𐬀	ش	𐬀	و
𐬁	پ	𐬁	ن	𐬁	غ	𐬁	و
𐬂	ت	𐬂	ز	𐬂	ف	𐬂	ه
𐬃	ث	𐬃	ر	𐬃	ک	𐬃	ی
𐬄	ج	𐬄	ز	𐬄	گ	𐬄	ی
𐬅	چ	𐬅	ژ	𐬅	م	𐬅	انگ
𐬆	خ	𐬆	ش	𐬆	ن	𐬆	نگ
𐬇	خ	𐬇	ش	𐬇	ن	𐬇	و

حروف بی صدا و نویسه لاتین

اوستایی	لاتین	اوستایی	لاتین	اوستایی	لاتین	اوستایی	لاتین
𐬀	b	𐬀	f	𐬀	δ	𐬀	h
𐬁	p	𐬁	k	𐬁	r	𐬁	y
𐬂	t	𐬂	g	𐬂	z	𐬂	y
𐬃	θ	𐬃	m	𐬃	č	𐬃	η
𐬄	θ	𐬄	n	𐬄	s	𐬄	tj
𐬅	j	𐬅	ŋ	𐬅	š	𐬅	h
𐬆	c	𐬆	w	𐬆	š	𐬆	x ^w
𐬇	x	𐬇	w	𐬇	š	𐬇	
𐬈	d	𐬈	β	𐬈	γ	𐬈	



قطعه سفال با کتیبه به خط پهلوی ساسانی- شوش- موزه ملی ایران





زبان پهلوی، زبان رسمی دوران ساسانی بود. از آنجا که این زبان، اساساً به ناحیهٔ پارس تعلق داشته‌است و در مرحله‌ای میان فارسی باستان و فارسی نو (دری) قرار دارد، آن را «فارسی میانه» نامیده‌اند.

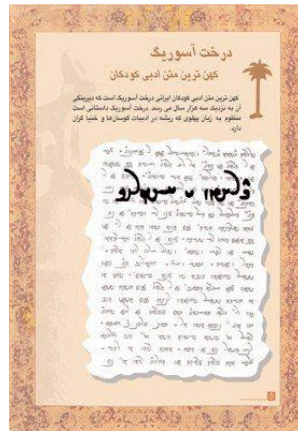
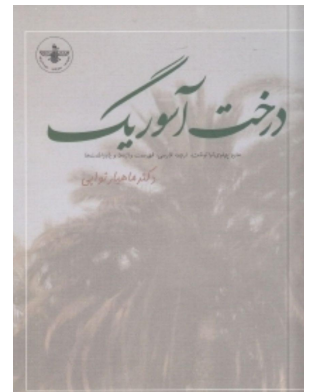
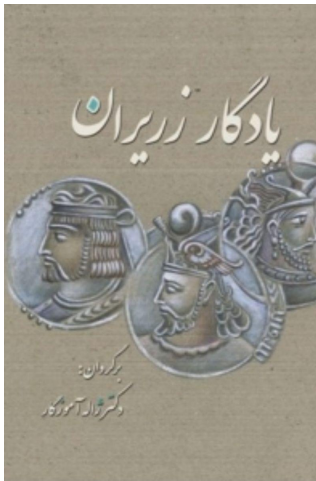
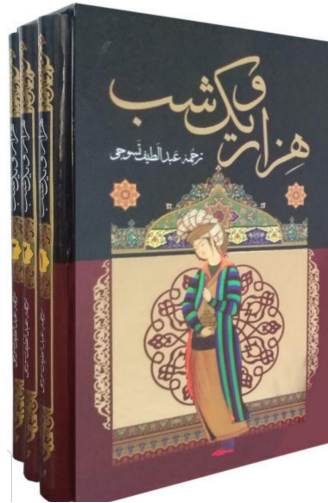
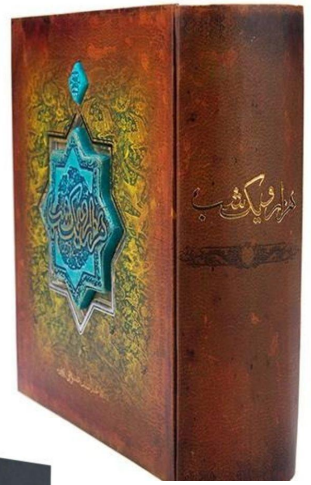
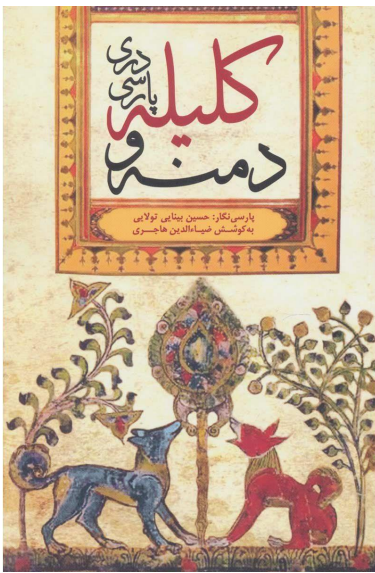
آثاری که به زبان پهلوی تألیف شده، بیشتر آثار دینی زردشتی است. حتی رساله‌های کوچکی که معمولاً آنها را در زمرهٔ آثار غیردینی به شمار می‌آورند، مانند «یادگار زریران» نیز رنگ دینی دارند. آثار ادبی منثور و منظوم این زبان، از میان رفته است، ولی ترجمهٔ عربی و فارسی بعضی از آنها مانند «کلیده‌ودمنه» و «هزار و یک‌شب» در دست است که آنها هم دچار تغییرات فراوان شده‌اند؛ در واقع باید گفت آثار ادبی پهلوی به سبب اهمیتی که سنت شفاهی در ایران پیش از اسلام داشته، غالباً به کتابت در نیامده بود.

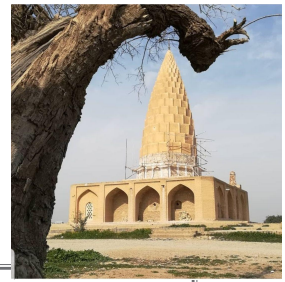
شعر پهلوی نیز به وضعی مشابه دچار گردید. اشعار کمی به زبان پهلوی در دست است و آنچه باقی مانده، دچار تحریف‌هایی شده است. بعضی از قطعات، بازماندهٔ اشعار تعلیمی و اخلاقی‌اند. این قطعات شعری در میان اندرزننامه‌های منثور جای دارند؛ مانند منظومهٔ «درخت آسوریک» و «یادگار زریران» که هر دو اصل پارتی دارند.

۳. فارسی نو: پس از ورود اسلام به ایران، زبان فارسی، تحوّل تازه‌ای را پشت سر گذاشت و با بهره‌گیری از الفبای خط عربی به مرحلهٔ جدیدی گام نهاد که بدان «فارسی نو» یا «فارسی دری» گفته می‌شود. یکی از نتایج نفوذ اسلام در ایران، رواج تدریجی خط عربی بود. زبان فارسی با کنارگذاشتن برخی از صداهای زبان عربی، الفبای آن را پذیرفت.

پس از برافتادن ساسانیان، طاهریان نخستین دولت اسلامی ایران بودند. ادبیات فارسی دری هم به مفهوم واقعی خود، تقریباً هم‌زمان با این دولت پدید آمد. «دری» زبان درباری ساسانیان، زبان محاوره و مکاتبهٔ مقامات دولتی بوده است. دری، نخستین صورت زبان ادبی فارسی نو در برابر نفوذ عناصر زبان عربی بود. فارسی دری، موجودیت خود را به سرسختی حفظ کرد و به تدریج، غنی گشت و زبان عمومی سراسر ایران شد. منطقهٔ رواج فارسی دری، نخست در مشرق و شمال شرقی ایران بود.







سه قرن اول هجری

پس از سقوط دولت ساسانی و از دست رفتن استقلال سیاسی ایران، ایرانیان در سه قرن نخست هجری به فعالیت‌های علمی و ادبی خود ادامه دادند و به زبان‌های فارسی، پهلوی و عربی آثار فراوان پدید آوردند. در آغاز قرن سوم، دولت نیمه‌مستقل طاهری و پس‌از آن، دولت مستقل صفّاری بر سر کار آمد. **یعقوب لیث صفّاری** برای ایجاد حکومت و دولت مستقل ایرانی و برانداختن یا تضعیف حکومت بغداد دست به کار شد تا عظمت و اقتدار ایران را به آن بازگرداند. وی نه با زبان عربی آشنایی داشت و نه اجازه داد تا این زبان در دستگاه حکومت او به کار رود؛ به همین سبب، **زبان فارسی دری** را — که خود می‌فهمید و با آن سخن می‌گفت — **زبان رسمی قلمرو خود اعلام کرد.** در پی آن، دولت سامانی، آل بویه و حکومت‌های کوچک دیگر پدید آمدند و زبان فارسی دری، فرصت و امکان یافت تا به عنوان زبان رسمی شناخته شود و در فضای ادبی، سیاسی و علمی رشد یابد.

قرن چهارم و نیمه اول قرن پنجم

● **قرن چهارم و نیمه اول قرن پنجم، مهم‌ترین دوره تمدن اسلامی ایران بوده است.** نظم و نثر فارسی در این دوره شکوفا شد. در آغاز این دوره، **دولت سامانی روی کار آمد و رسم‌ها و سنت‌های فرهنگی کهن ایرانی را رواج داد.**

1 **در زمان سامانیان، بخارا عمده‌ترین مرکز فرهنگی به شمار می‌آمد و بسیاری از دانشمندی که در این شهر می‌زیستند، آثار ارزنده‌ای به پارسی و عربی، در قلمرو فرهنگ اسلامی پدید آوردند.** بعضی از امیران سامانی، خود، صاحب فضل و ادب بودند. آنها

2 **شاعران فارسی‌گوی را تشویق می‌کردند و مترجمان را به ترجمه کتاب‌های معتبری به نثر فارسی برمی‌انگيختند.**

3 **این درخشش، با شکست سامانیان از ترکان آل افراسیاب به تیرگی گرایید و خراسان ابتدا به دست سبکتگین و بعد پسرش محمود افتاد و سلسله غزنوی در سال ۳۵۱ هجری در شهر غزنه تشکیل شد.** **غزنویان** نیز برای ماندگاری حکومت نوپای خود ناگزیر شدند





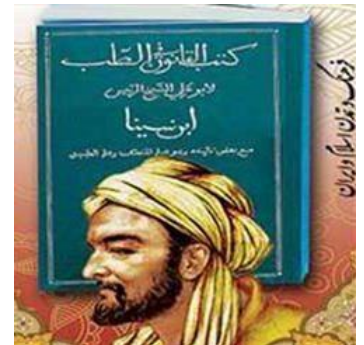
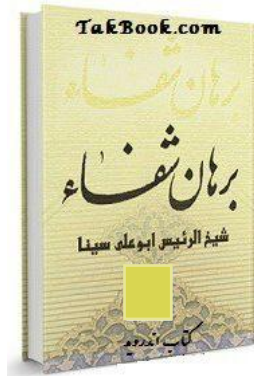
شعر منتسب به شیخ الرئیس
 کفر چو منی گزاف و آسان نبود
 محکمتر از ایمان من ایمان نبود
 در دهر چو من یکی و آن هم کافر
 پس در همه دهر یک مسلمان نبود

دویستی های ابو علی سینا
 تا باده عشق در ققد ریخته اند
 و اندر پی عشق عاشق انگیخته اند
 با جان و روان بوعلی مهر علی
 چون شیر و شکر به هم بر آمیخته اند

اشعار منسوب به بوعلی سینا

مریم برونی - گروه ادبیات ناحیه چهار اهواز

نقشه خراسان بزرگ



اشعار ابو علی سینا

دل گر چه در این بادیه بسیار شتافت
 یک موی ندانست ولی موی شکافت
 اندر دل من هزار خورشید بتافت
 آخر به کمال ذره ای راه نیافت

زبان پارسی را رواج دهند و دست کم تا پایان سلطنت مسعود، دربار آنان به وجود شاعران بزرگ فارسی گوی — که در اواخر عهد سامانی تربیت یافته بودند؛ مانند عنصری، فرخی و منوچهری — آراسته بود.

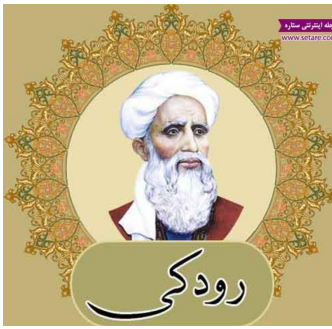
● در مجموع، قرن چهارم هجری، دوران غلبه، رواج، حفظ و ارائه آداب و رسوم ملی بود. پایه حماسه‌های ملی به زبان فارسی در این قرن گذاشته شد که زبان فارسی را با ادبیات غنی آن به اوج رساند. قرن چهارم، دوره طلایی همراه با شکوفایی روح ایرانی بود که با دانشمند بزرگی چون محمدبن زکریای رازی آغاز شد و با شاعر بی نظیری مانند فردوسی ادامه یافت.

قرن چهارم و نیمه اول قرن پنجم دوره ترقی در همه زمینه‌های علمی بود و مردان مشهوری از آغاز تا پایان این دوره در فلسفه و طب و علوم دینی، سرگرم تألیف بودند. برای نمونه ابوعلی سینا، در همه علوم روزگار خود تبحر داشت و صاحب تحقیق و تألیف بود؛ وی به فارسی و عربی شعر می‌سرود.

● وجود سخنورانی چون رودکی، فردوسی، عنصری و بسیاری از شاعران فارسی گوی دیگر، بیانگر اهمیت این دوره است. آغاز این دوره که از نظر تاریخی با اوج حاکمیت سامانیان هم‌زمان است، عصر اندیشه استقلال ملی ایران به شمار می‌رود؛ امرای سامانی با تأکید بر ضرورت تألیف به زبان فارسی دری و گردآوری تاریخ و روایات گذشته ایرانی، در برابر خلافت بغداد به هویتی مستقل دست پیدا می‌کنند و با تشویق شاعران و نویسندگان می‌کوشند در ماوراءالنهر و خراسان بزرگ، ترکیب تازه‌ای از هویت فرهنگی، یعنی بازیافتن اندیشه‌ای ایرانی در چارچوب فرهنگ اسلامی را ترویج کنند.

پس از گذشت چند سده و رواج و نفوذ معارف اسلامی و متون دینی، آمیختگی زبان فارسی دری با زبان عربی افزایش می‌یابد. در قرن چهارم و اوایل قرن پنجم بسیاری از اصطلاحات علمی، ادبی، دینی و سیاسی جدید از راه ترجمه متون عربی، وارد فارسی دری می‌شود. در آغاز این دوره، هنوز بیشتر دانشمندان ایرانی به ضرورت، آثار خود را به عربی می‌نویسند تا بتوانند در سرتاسر دنیای اسلام خوانندگان بیشتری پیدا کنند. ●





گزیده ای از زیباترین اشعار رودکی

بوی جوی مولیان آید همی
 یاد یار مهربان آید همی
 ریگ آموی و درشتی راه او
 زیر پایم پرنیان آید همی

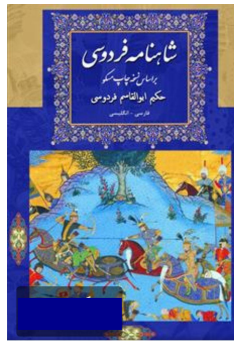
آب جیحون از نشاط روی دوست
 خنگ ما را تا میان آید همی

ای بخارا! شاد باش و دیر زی
 میر زی تو شادمان آید همی

میر ماه است و بخارا آسمان
 ماه سوی آسمان آید همی

میر سرو است و بخارا بوستان
 سرو سوی بوستان آید همی

آفرین و مدح سود آید همی
 گر به گنج اندر زبان آید همی



گزیده ای از رباعیات رودکی

گر بر سر نفس خود امیری، مردی
 بر کور و کر ار نکته نگیری، مردی
 مردی نبود فتاده را پای زدن
 گر دست فتاده‌ای بگیری، مردی

نامت شنوم، دل ز فرح زنده شود
 حال من از اقبال تو فرخنده شود

با داده قناعت کن و با داد بزی
 در بند تکلف مشو، آزاد بزی
 در به ز خودی نظر مکن، غصه مخور
 در کم ز خودی نظر کن و شاد بزی

نمونه شعر مدحی عنصری

جهاندار محمود کاندر محامد
 یکی عالم است از کفایت مصور
 بمین است مر دولت ایزدی را
 امین است بر حکم دین پیمبر



گلچینی از بهترین اشعار فردوسی

ندانی که ایران نشست منست
 جهان سر به سر زیر دست منست
 هنر نزد ایرانیان است و بس
 ندادند شیر زبان را بکس
 همه یکدلانند یزدان شناس
 به نیکی ندارند از بد هراس
 دریغ است ایران که ویران شود
 کتام پلنگان و شیران شود
 چو ایران نباشد تن من مباد
 در این بوم و بر زنده یک تن مباد
 همه روی یکسر بجنگ آوریم
 جهان بر بداندیش تنگ آوریم
 همه سرسبز تن به کشتن دهیم
 به از آنکه کشور به دشمن دهیم

نمونه شعر شهید بلخی

اگر غم را چو آتش دود بودی
 جهان تاریک ماندی جاودانه
 در این گیتی سراسر گر بگردی
 خردمندی نیابی شادمانه

شعر

یکی از ویژگی‌های شعر فارسی در قرن چهارم و نیمه اول قرن پنجم، سادگی فکر و روانی کلام آن است. شاعر می‌کوشد تا فکر و خیال خود را همان گونه که به خاطرش می‌رسد، بیان کند. شاعران این عصر، بیشتر به واقعیت بیرونی نظر داشتند و مفاهیم ذهنی آنان از قلمرو تعالیم کلی اخلاقی فراتر نمی‌رفت. آوردن ترکیب‌های تازه، استعاره‌های دلپذیر، تشبیهات گوناگون و به کارگیری انواع توصیف از خصیصه‌های دیگر شعر این دوره است.

● شعر پارسی در این دوره به دست رودکی بنیاد نهاده شد؛ به همین سبب او را «پدر شعر فارسی» نام نهاده‌اند.

رایج‌ترین انواع شعر فارسی در این دوره، «حماسی»، «مدحی» و «غنایی» بود.

■ حماسه ملی ایران و شعر حماسی با فردوسی به اوج رسید.

شعر مدحی یا مدیحه‌سرایی نیز که از آغاز ادب فارسی به پیروی از شعر عربی معمول گشت، با شاعران بزرگ درباری و مدح پادشاهان و رجال دربار جایگاه خود را پیدا کرد.

■ شعر غنایی با دو شاعر مشهور، رودکی و شهید بلخی، قوت و استحکام یافت.

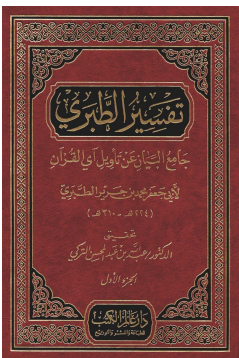
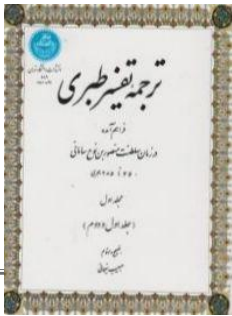
● شعر حکمی و اندرزی (تعلیمی) هم در این دوره به وجود آمد ولی در دوره سلجوقیان به پختگی رسید. آوردن موعظه و نصیحت در شعر پارسی از آغاز قرن چهارم معمول گردید و در این باب، قطعه‌های کوتاهی سروده شد؛ اما کسی که قصیده تمام و کمال در این موضوع سرود، «کسایب مروزی» بود؛ سپس «ناصر خسرو» شیوه او را ادامه داد.

داستان سرایی و قصه‌پردازی و آوردن حکایت‌ها و مثل‌ها نیز در شعر این دوره آغاز گشت.

نثر

در عهد سامانی، نثر هم مانند شعر پارسی، رواج یافت و رونق گرفت و کتاب‌هایی در موضوع‌های گوناگون به زبان دری پدید آمد. نثر این دوره، ساده و روان است و بیشتر به موضوع‌های حماسی، ملی و تاریخی توجه دارد و هنوز آوردن اصطلاحات علمی و اشعار و امثال در آن رایج نشده است.





● برخی از کتاب‌های نشر فارسی، در این دوره عبارت‌اند از:

۱. «شاهنامه ابومنصوری»: این کتاب حدود سال ۳۴۶ قمری، به دست عده‌ای از دانشوران خراسان، نوشته شد. موضوع این کتاب، تاریخ گذشته ایران است؛ امروزه فقط چند صفحه‌ای از مقدمه آن باقی مانده است. در اینجا چند سطر از این اثر را با هم می‌خوانیم:

پس امیر ابومنصور عبدالرزاق، دستور خویش، ابومنصورالمعمری را بفرمود تا خداوندان کتب راه، از دهقانان و فرزانتگان و جهان دیدگان از شهرها بیاورد و چاکر او ابومنصورالمعمری به فرمان او نامه کرد و کس فرستاد به شهرهای خراسان و هشیاران از آنجا بیاورد از هر جای و از هر شارستان، گرد کرد و بنشانند به فراز آوردن این نامه‌های شاهان و کارنامه‌هایشان، و زندگانی هر یکی از داد و بیداد و آشوب و جنگ و آیین، از کی نخستین که اندر جهان او بود که آیین مردی آورد و مردمان از جانوران پدید آورد، تا یزدگرد شهریار که آخر ملوک عجم بود؛ اندر ماه محرم و سال بر سیصد و چهل و شش از هجرت، بهترین عالم، محمد مصطفی — صلی الله علیه و سلم — و این را نام شاهنامه نهادند تا خداوندان دانش اندرین نگاه کنند و فرهنگ شاهان و مهتران و فرزانتگان و کار و ساز پادشاهی و نهاد و رفتار ایشان و آیین‌های نیکو و داد و داوری و رای و... را بدین نامه اندر بیابند.

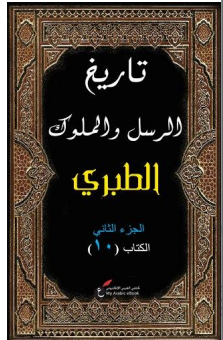
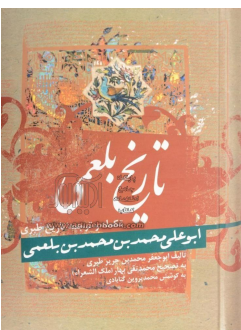
۲. «ترجمه تفسیر طبری»: اصل تفسیر را «محمدبن جریر طبری» به زبان عربی نوشته است؛ اما جمعی از دانشمندان آن زمان، این کتاب را به فارسی برگرداندند. بخشی از مقدمه آن را می‌خوانیم:

این کتاب تفسیر بزرگ است از روایت محمدبن جریر طبری — رحمة الله علیه — ترجمه کرده به زبان پارسی دری؛ و این کتاب را بیاوردند از بغداد، نبشته به زبان تازی؛ پس دشخوار آمد خواندن این کتاب. امیر سید ابوالمظفر ابوصالح منصور، علمای ماوراءالنهر را گرد کرد و از ایشان فتوای کرد که روا باشد که ما این کتاب را به زبان پارسی گردانیم؛ گفتند: روا باشد خواندن و نبشتن تفسیر قرآن به پارسی، مر آن را که او تازی نداند.

۳. «تاریخ بلعمی»: ابوعلی بلعمی به دستور منصور بن نوح سامانی، مأموریت یافت که تاریخ مفصلی را که محمدبن جریر طبری آن را تحت عنوان «تاریخ الرسل و الملوک» به



تصویر برگی از نسخه کهن ترجمه تفسیر طبری



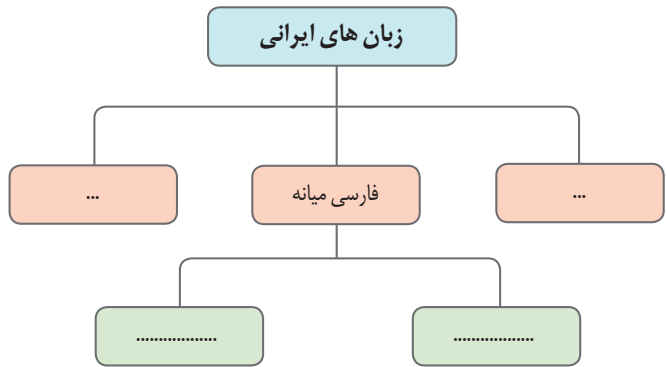
زبان عربی نوشته بود، به فارسی برگرداند. بلعمی هم‌زمان با ترجمه کتاب، اطلاعات دیگری راجع به تاریخ ایران به دست آورد و بر آن افزود و با حذف مطالبی از اصل تاریخ طبری، آن را به صورت **تألیفی مستقل** درآورد که به «تاریخ بلعمی» شهرت یافته است. متن زیر، بخشی از این کتاب است.

اندر حدیث پادشاهی ضحاک تازی:
 «و این ضحاک را اژدها به وی، از آن گفتندی که بر کتف او دو پاره گوشت بود بزرگ بر رُسته دراز، و سر آن به کردار ماری بود و آن را به زیر جامه اندر داشتی، و هرگاه که جامه از کتف برداشتی، خلق را به جادوی چنان نمودی که این دو اژدهاست و ازین قِبَل، مردمان ازو بترسیدندی؛ و عرب او را ضحاک گفتند...».

خودارزیابی



- ۱ چرا به زبان فارسی نو، «فارسی دری» هم گفته می‌شود؟
- ۲ نمودار زیر را با توجه به آموزه‌های درس کامل کنید.



۳ عوامل رشد و گسترش زبان و ادب پارسی در این دوره زمانی (قرن‌های چهارم و پنجم هجری) را بنویسید.

۴ مهم‌ترین کتاب‌های نثر این دوره کدام‌اند و چه تأثیری بر وضعیت عمومی زبان و ادب فارسی داشته‌اند؟

۵ دربارهٔ مضامین شعری این دوره توضیح دهید.

۶ قلمرو شعر و نثر فارسی را در این دوره، روی نقشه نشان دهید.

